

برگزاری روز دهقان یا تجلیل و تشویق ملاکان بزرگ فتودال

در چند سال اخیر حکومت افغانستان به منظور اغفال و تحمیل بیشتر توده های انبوه دهقانان تهیهست، کم زمین و بی زمین روزی را بنام باصطلاح «روز دهقان» جشن میگیرند. دستگا ههای تبلیغاتی دولت باشیوه های مبالغه آمیز و فریبنده ای پیرامون وضع زندگی دهقانان سخنان بر آب و تاب و مفت و ارزانی رانشر و پخش مینمایند و بدینوسیله تلاش میورزند بر حقایق تلخ زندگی آنان پرده بپفکنند و دهقانان ستمکش کشور را از تشکل و مبارزه باز دارند.

در صورتیکه دهقانان و زحمتکشان دهات افغانستان دیگر از ظلم و بیباید ملاکین فتودال و مامورین دولتی بستوه آمده اند. سالهاست که نتیجه دسترنج و کار توان فرسای دهقانان زحمتکش کشور از طرف متنفذین و مستبدین و استثمارگران محلی به تاراج برده میشود. هم اکنون توده های ملیونی دهقانان کشور سخت ترین و جا پزانه ترین نوع فشار و استثمار را زیر چنگال فتودالها، تاجران بزرگ دلال و ملاکین بورژوا بیروکرات متحمل میشوند.

معهدا محافل حاکمه سیاسی تنها گامی در راه نجات توده های عظیم دهقانان کشور بر نمی دارند بلکه علی رغم آن بالای زخمهای دیرینه مردم زیر عنوان «برگزاری روز دهقان» نمک می پاشند و باز هم ملاکین و مالداران بزرگ را تجلیل و در راه استثمار بیشتر دهقانان بینوا تشویق مینمایند. در حالیکه واقعی ترین تجلیل ازین طبقه زحمتکش کشور توجه به وضع رفعت بار و شرایط اسف انگیز زندگی آنان و اجرای اصلاحات عمیق و اساسی ارضی به نفع دهقانان است.

دهقانان و زحمتکشان کشور نان، آزادی و زمین میخواهند!

تنها با مبارزه متحد در یک جبهه واحد میتوان

بر ارتجاع پیروز شد

عقب می اندازد و یا آنرا مواجهه به شکست رقت آور و طولانی میسازد. لذا یکی از عمده ترین مسایلی که اکنون در برابر جنبش دموکراتیک و ملی کشور ماقرار دارد، مسأله تأمین وحدت و اتحاد تمام نیرو های ترقیخواه و وطن پرست و دموکراتیک است.

باید جدادر نظر داشت که ایجاد تفرقه و نفاق در جنبش موجود کشور تنها به زیان نیرو های ترقیخواه و وطن پرست نیست، بلکه بضرر جنبش و در آخرین تحلیل بضرر خلق افغانستان می انجامد.

تجربه کشور ما و ملل جهان نشان میدهد که فقط با مبارزه متحد میتوان بر دشمن مشترک غلبه کرد. این امر بخصوص در شرایطی که تمام نیرو های ارتجاعی داخلی و همه نیرو های امپریالیستی خارجی برای استحکام خویش و سر کوبی نهضت ملی و دموکراتیک ضد فتودالیسم و ضد امپریالیسم در توطئه و اتحاد اند و اندیشه های زهر آگین نفاق فضای کشور را مسموم میسازد، نسبت به هر زمان دیگر ضروری تر است.

تاجاییکه مر بوط بماست باید گفت که با تحلیل علمی جا معه کنونی افغانستان و تشخیص مسئولیت تاریخی خویش، بر این عقیده استواریم که راه نجات خلق ما از اسارت ارتجاع داخلی و امپریالیسم وقتی هموار خواهد شد که وحدت و اتحاد تمام نیرو های ترقیخواه و ملی کشور پایه گذاری شود و جبهه واحدی از جریانات، محافل، اورگانهای نشراتی، ساز ما نهما و شخصیت هائی که نماینده طبقات زحمتکش و دموکراتیک باشند، بر اساس یک پروگرام عملی مشترک و با حفظ استقلال و ایدئولوژی و (درص ۴)



ناشرانیده های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (هفتم) پنجشنبه ۵ تود ۱۳۴۷ ه ۲۵ اپریل ۱۹۶۸

اول ما می

کارگران جوان و زحمتکشان افغانستان!

جریان دموکراتیک خلق افغانستان ورود جشن اول ماهی (۱۱ تود ۱۳۴۷) روز رسم گذشت پر جلال اردوی عظیم کارگران جهان را به تمام خلق کارگر و وطن از اعماق قلب شادباش میگوید. روز اول ماه می روز تاریخی ایست که باید کارگران جوان افغانی جشن پر شکوه خویش را بر گزار کنند و در فضای تیره و تار کشور فریادهای «زنده باد طبقه کارگر جوان افغانستان» را بغرش در آورند. سالهاست که وطن مادر بند زنجیر های استبداد و ارتجاع گیر افتاده و شعور طبقاتی و سیاسی کارگران کشور همچنان عقب مانده است و حتی طبقه کارگر جوان کشور از روز تاریخی خویش بی خبر مانده اند، زیرا ارتجاع میدانده که پیشرو ترین و مترقی ترین طبقه در جنبش رهایی بخش خلق افغانستان طبقه کارگر است.

در شرایط کنونی کارگران افغانستان محرومترین و ستم دیده ترین طبقه زحمتکش کشور اند. وضع زندگی کارگران رقت انگیز و توان فرساست، کارگران کشور تا کنون برای بهبود شرایط زندگی خویش دست به دهه اعتصاب زده اند ولی هر بار با بیرحمی کارفرمایان ستمگر مواجه گردیده اند.

در جامعه ما فاصله بین فقر و ثروت روز بروز عمیق و عمیقتر میشود و طبقات حاکمه ارتجاعی و استثمار نوین بیش از پیش سر گرم تصاحب دسترنج خلق کارگر کشور اند. کارگران کشور از مخارج غیر قابل تحمل زندگی که پیوسته کم رشن تر میشود، از ناچیز بودن دستمزد، از شرایط خراب کار و حتی عدم مراعات به اصطلاح قانون کار و کارگر افغانستان، از تهدید بیکاری، از ظلم و ستمگری کارفرمایان و ماموران دولتی، از عدم مصونیت زندگی اعضای خانواده خویش و دهها مسأله حیاتی دیگر شکنجه میشوند.

هرسال هزاران کارگر بیکار میشوند و با سیل دهقانانی که از دهات بطرف شهر ها سرازیر میگردند لشکر انبوهی از بیکاران را تشکیل میدهند. کارگران از تمام حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی محرومند. در کشور تا کنون اتحادیه ها و سندیکا های کارگری تشکیل نگردیده است تا بوسیله آن کارگران

نود و هشتمین سالگرد تولد لنین

دوست بزرگ، شرق و مردم ما

شوروی حملات چهارده د ولت امپریالیستی را دفع میکرد، خلق آزادخواه افغانستان برچم جنگ عادلانه نجات بخش ملی را علیه استثمارگران انگلیس بر افراشت و جمهوری شوروی بلافاصله پشتیبانی خود را از نیروی ملی افغانستان ابراز داشت و طی اعلامیهئی از تمام کشور های جهان خواست که از اعمال زور در مورد کشور مستقل افغانستان خود داری نمایند.

جمهوری نو بنیاد شوروی در حالیکه خودش مشغول زدو خورد با متجاوزین امپریالیست بود، در حساس ترین مرحله تاریخ، افغانستان را با اسلحه و مهمات جنگی و پول نقد کمک کرد. اعلیحضرت امان الله پادشاه فقید افغانستان طی پیا میکه بلافاصله بعد از استقلال کشور بمسکو فرستاد، تمایل مردم افغانستان را بمنظور ایجاد استقرار روابط دو ستانه با جمهوری شوروی اعلام نمود. (درص ۳)

دوم تود ۱۳۴۷ نود و هشت سال از تولد دانشمند بزرگ و لادیمیر ایلیچ لنین قانده انقلاب کبیر اکتبر و مؤسس نخستین دولت سوسیالیستی جهان و بنیاد گذار دوستی افغانستان و شوروی میگردد. بدین مناسبت، این روز در سراسر جهان پایاد آوری از خدمات و آثار شگفت انگیز لنین تجلیل میگردد. لنین به صلح و دوستی بین ملل اهمیت فراوانی قایل بود. چنانچه نخستین فرمان حکومت جوان شوروی که به امضای لنین صادر گردید، فرمان صلح بود.

در اعلامیه دولت شوروی خطاب به خلقهای مسلمان روسیه و شرق که به امضای لنین انتشار یافت گفته میشود: «ازین پس معتقدات و آداب شما، انجمنهای ملی و فر هنگی شما، آزاد و مصنون اعلام میشود. زندگی ملی خود را بلا مانع و آزاد مطابق میل خود بنانهید. این حق شماست.» در همان موقع که جمهوری نو بنیاد

فرهنگ خلقهای اوزبک و ترکمن

بخش جدائی ناپذیری از کلتور ملی ماست

شعری جوزجانی

«انتقال از مرحله عقب مانده فیودالی به يك مرحله جدید اجتماعی مترقی مستلزم تربیت و تعلیم مترقی و عصری تمام حلقه های مملکت میباشد. طبقات حاکمه ارتجاعی فیودالی و عوامل استعماری و امپریالیستی پیوسته کوشیده اند تا در برابر توسعه و ترقی فرهنگ پستیده ملی خلقهای کشورهای شوروی و کشورهای مترقی و علمی جهان در داخل مملکت موانع بزرگی ایجاد کنند تا باین وسیله از تکامل اجتماعی و اقتصادی مردم بپنجه خود جلوگیری بعمل آورند.

بادرد این مسأله که فرهنگ و کلتور جدید افغانستان ملی، خلقی و دموکراتیک خواهد بود در راه تطبیق پروگرام... زیر بمقصد تجدید حیات فرهنگی... کشور و تکامل آن جد و جهد میشود:

۱- تعمیم و اجرای تعلیمات اجباری همگانی و مجاني ابتدایی بزبان مادری فرزندان کشور در سراسر مملکت بعد از سن هفت سالگی (پسرودختی) بدون تبعیض.

مرام دموکراتیک خلق. چهارم: امور کلتوری

از «ص اول»
اول ماه...

بصورت دستجمعی از حقوق و آزادیهای خویش دفاع کرده بتوانند. معینا علی رزم هرگونه تزییقات و اختناق، خطر بیکاری، فقر و بیخانمانی طبقه کارگر جوان کشور در حوزة های صنعتی کابل، در کلبهار و جبل السراج، در پلخمری، بغلان و قندوز و قندهار دست به اعتصابات زده اند و قدم بقدم شعور طبقاتی و سیاسی خویش را کسب میکنند و در نهضت کارگری و سیاسی کشور سهم فعال میگیرند.

کارگران جوان افغانستان!

چریان دموکراتیک خلق افغانستان نسبت به مبارزات شما احترام عمیق میگذارد، آینده از شماست! پیروزی های عظیم طبقه شما در جهان روز افزون است. در شما نیروی خلاقی نهفته است، آنرا بیدار سازید و برای تأمین حقوق مسلم و قانونی خویش و نجات خلق افغانستان از یوغ استبداد، از تجاع، استثمار و نفوذ استعمار و امپریالیسم متشکل شوید و مبارزه کنید!

یکی از مهمترین و ظایف طبقه کارگر افغانستان تقویه نهضت کارگری و تشکیل سندیکاهای صنعتی، اتحادیه های کارگری و ایجاد کمیته های دفاع از حقوق بیکاران است. کارگران کشور! مگذارید کارفرمایان خود را در مؤسسات صنعتی و ساختمانی رفقای شما را از کار اخراج کنند.

کارگران کشور! برای احقاق حقوق خویش از تمام اشکال مبارزه استفاده کنید، سطح آگاهی طبقاتی خود را بالا ببرید، با تالیف جاسارت و احتیاط در نهضت صنعتی و سیاسی شرکت کنید و برای آزادی تشکیل اتحادیه های صنعتی واقعی مبارزه کنید!

وحدت و اتحاد کارگران افغانستان نیرومندترین ضامن پیروزی نهضت دموکراتیک و ملی و شرط اساسی بهبود وضع مادی و معنوی کارگران و مهمترین گام در راه آزادی آنهاست و دیگر طبقات زحمتکش افغانستان است.

نجات طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور تنها از طریق اصل وحدت، سازمان و مبارزه امکان پذیر است. بیروز باد وحدت طبقه کارگر افغانستان و در راه مبارزات صنعتی و سیاسی!

شاد و پرشکوه باد جشن اول ماهی روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان!

تلفی نموده اند و حتی پیش ما نه به امحای مظاهر و بقایای آن اقدام کرده اند. تاکنون نیز هستند که نظر آن تنگ مایه ای که این دو خلق نجیب و وطنپرست را فاقد تاریخ و فرهنگ میدانند و در تحت تأثیر جهان بینی پوسیده و ناپسندیده های کمره کننده خویش، معتقدند که باید بقایای اینگونه فرهنگها را از بین برد. در اثر اعمال این سببست ضد مصالح و اتحاد ملی، برور زمان فرزندان این خلقها از کنجینه های جاویدان فرهنگ خویش که ریشه های آن در قلب تاریخ افغانستان دویله است و محصول استعداد های خلاق اینار میباشند، محروم مانده اند و تا حدود زیادی از آن بیگانه شده اند. چه وضعی رقت بارتر از این میتواند باشد که اکنون اکثریت روشنفکران اوزبک و ترکمن نمیتوانند بزبان مادری خویش بخوانند و بنویسند و امکانات تحصیل بزبان مادری خود داشته باشند؟ هر قدر که زمان بیشتری بر این وضع نامطلوب و غیر - دموکراتیک میکردند، همانقدر زبان و فرهنگ آنان دستخوش تغییر و تحریف میگردد و سنن پر افتخار فرهنگی ایشان بدست فراموشی سپرده میشود و لطمه بزرگی بر غنا و گنجینه های فرهنگ های متنوع ملی افغانستان وارد میآید.

علت این همه بیداد گریها و دستموی چیست؟ وجودستم ملی در افغانستان ناشی از تسلط روابط کهنه فیودالی، سیاست ارتجاعی محافظ حاکمه سیاسی و بقایای شوم سیاست استعماری انگلیس میباشد که تاکنون هم این نظرات ضد ملی و ضد دموکراتیک در دماغ طرفداران این سیاست ارتجاعی بقوت خود باقی مانده است و هدف آن بر هم زدن اتحاد ملی و همبستگی واقعی خلقهای سراسر افغانستان در یک وطن واحد میباشد. تأمین واقعی همبستگی نیرومند ملی همانطوریکه هم زارچمند ما طی مقاله منتشره در شماره سوم جریده «پرچم» توضیح کرده اند، تنها در صورتی امکان پذیر است که فرهنگ های تمام خلقهای

افغانستان بحیث اجرای غیر قابل انفکاک فرهنگ ملی افغانستان شناخته شود و در راه رشد و انکشاف جنبه های مثبت و مترقی آنها توجه جدی مبذول گردد و بخاطر نشر و معرفی آنها توسط چرانند، را دیو و دیگر وسایل نشراتی اقدامات مؤثر صورت بگیرد. بر اساس این مشی دموکراتیک خلق، «پرچم» بعد ازین سعی خواهد کرد تا در پیرامون کلتور خلقهای اوزبک و ترکمن افغانستان معلوماتی بهموطنان گرامی تقدیم دارد و عملا در راه شکفتگی فرهنگهای افغانستان محبوب کامیهای مؤثر و جدی بردارد.

«هریک از خلقها دارای تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات خود است و هر خلق صرف نظر از خردی یا بزرگی آن در ساختمان فرهنگی جهانی حصه میگیرد، بنابراین تاریخ هر یک از فرهنگهایی که بنام خلقهای مختلف یاد میگردد در عین زمان جزو این تاریخ فرهنگ عمومی جهان نیز میباشد، خلقهای اوزبک و ترکمن افغانستان نیز مدنیته کهن و فرهنگی غنی دارند و در تعمیم و انکشاف علم و فن، هنر و ادبیات کشور و جهان بنویسند به خود سهم گرفته، دانشمندی بزرگ، شاعران و نویسندگان عالی مقامی چون علیشیر نوایی، ملک الکلام لطفی - هروی، اتایی بلخی، دربیگ سسکای، مشرب، مخدوم قلی، غیبی، یوسف - خاص حاجب، نادره، مقیمی، سید قلی جوزجانی، نیازی بلخی و دهاتن دیگر در آغوش خود پرورده و بآید دیگر خلقهای افغانستان رو ابط مادی و معنوی نزدیک و خلل ناپذیری داشته اند.

فرهنگ این دو خلق نیز زبان، ادبیات، عینیات، رسم و رواجها، انواع علوم و فنون، مسائل اخلاقی و فلسفی و انواع جهان بینی ها بی راکه این خلقها در طول حیات تاریخی خویش داشته اند و بالاخره تمام مظاهر مادی و معنوی مدنیته را که اساس گذاشته اند در بر میگیرد. مادر آینده در اطراف زبان و ادبیات و دیگر گوشه های تمدن و فرهنگ این دو خلق معلوماتی بهموطنان عزیز تقدیم خواهیم کرد.

خلقهای زحمتکش و وطن پرست اوزبک و ترکمن افغانستان محبوب که در کرانه های رود خروشان آمو، در دامنه های البرز و تیر بند - ترکستان، در جلگه های وسیع بلخ - کزین و جوزجان و دشتهای سوزان گسترده شده از فاریاب تا تخار و نالغان و سایر نقاط کشور حیات بسرمیبرند و دوشا دوش سا یسر خلقهای برادر و نجیب افغانستان اعم از پشتون، تاجیک، هزاره، بلوچ و... بکارهای تولیدی مصروفند. خلقهای اوزبک و ترکمن در طول تاریخ سیاسی افغانستان، با دیگر خلقهای دلیر این کشور در یک صف از استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان، بحیث نا موس ملی خویش، دلیرانه دفاع کرده و چون پاستینای صلح و امنیت در یک وطن واحد پر افتخار افغانستان حیات بسرمیبرده اند و میبرند. این دو خلق زحمتکش و وطنپرست در تحت شرایط غالباً نامساعد آنسوی هندوکش، باصرف نیروی بشری خویش با وسائل و ابزار تولیدی قرون وسطایی بتولید نمک های مادی اشتغال دارند و یک قسمت مهم محصولات وطن عزیز از قبیل پنبه، پشم، قالین، پوست قره قل، اقسام میوه و انواع حبوبات را که اقلام مهم مواد صادراتی کشور ما را تشکیل میدهد، تولید مینمایند و در تقویه بودجه و تمویل پلانهای انکشافی دولت سهم قابل ملاحظه ای میگیرند. خلقهای اوزبک و ترکمن در عین حالیکه سنگینی «پا شنه آهنین» طبقات حاکمه، بیک و خان و ارباب «کله خوران» و فیودالان محلی را زوری سینه خود احساس مینمایند، سالهاست که از ناحیه ستم ملی و احساس محرومیت از فرهنگ و کلتور خویش که توسط محافظ حاکمه ارتجاعی افغانستان اعمال میشود، نیز رنج عظیم میبرند. در طی ده ها سال که از استقلال افغانستان میگذرد، نه تنها کوچکترین توجهی به احیای فرهنگ این خلقها صورت نگرفته و بوجود آن اعتراف نشده، بلکه برعکس مرجمینی هم وجود داشته اند که موجودیت فرهنگ آنانرا غیر قابل تحمل (۱)

سلطان علی (کشمند)

سیاست درهای باز

اقتصاد ناتوان کشور را ناتوان تر میسازد

بسیاری از ممالک کم رشد که در شرایط مشابه بکشور ما قرار دارند، به این نتیجه رسیده اند که بدون ایجاد یا به های مستحکم اقتصادی و اتخاذ پالیسی صحیح درین مورد نمیتوان بعبق افتادگی های دیروینه پایان داد و فاصله عمیقی را که بین آنها و کشورهای پیشرفته جهان وجود دارد، کوتاه ساخت. تجارت خارجی در راه تحکیم این پایه ها و ایجاد زمینه برای رشد سالم اقتصادی ویا عکس آن نقش عمده دارد. کنترل درست و سوق تجارت خارجی در جهت مثبت برای صنعتی کردن کشور، حمایت صنایع داخلی، مدرنیزه کردن زراعت و تأمین نیازمندیهای عامه مردم کمک میکند. اما تعقیب سیاست درهای باز موجب ورشکستگی و رکود صنایع داخلی، تورم پولی، افزایش قیمتها، بیکاری و آوارگی توده های زحمتکش مردم میشود. ادامه سیاست وارداتی درهای باز که تنها خواست و منافع کشورهای امپریالیستی را بر آورده میسازد، افغانستان را به بازار فروش اتمه صنعتی اینکشورها تبدیل مینماید. اسعار ما در بدل اموال تجلی غیر ضروری واجناس مستعمل و بازار مانده دیگران (سالانه بیشتر از یک میلیون دالر جهت خریداری اجناس کهنه امریکایی) بهمیزشیرود. ورودی بند و بار اموال خارجی و بازار گذاشتن بر صادرات شرقی، غربی و جنوبی کشور بر روی اموال قاچاقی، کم کیفیت اما ارزان قیمت، که غالباً نه فقط بیفایده بلکه مضر میباشد، صنایع خیلی جوان و نوپایاد

داخلی را با رقابت نامتساوی مواجه میسازد و رشد سریع آنها مانع میشود، کنترل اسعار خارجی از دست میروود و ارزش افغانی در برابر آن روز بروز پائین میافتد. جریان مرکز و کنترل بازم زیاد تر افغانی و اسعار خارجی به چند دست نشندید میگردد، طوریکه هم اکنون یک عده محدود تاجر کپرادور، دلال و محتکر داخلی و تاجر و نمایندگان کپسول های سرمایه داری بر آن تسلط کامل دارند و هر روز بمقصد کسب سود بیشتر نرخ آنها بالا و پائین می آورند، که حتی دافغانستان بانک (بانک مرکزی) ناگزیر است نوسانات نرخ اسعار را در بازار سیاه تعقیب نماید و نرخهای اسعاری خود را بر طبق آن تعیین کند. نتیجه جبری این امر تضعیف روز افزون افغانی و سقوط قدرت خرید آن میباشد. اقدام حکومت در زمینه به اصطلاح رفورم پولی در آغاز سال ۱۳۴۲ که در اثر آن نرخهای متعدد اسعاری تبدیل به سیستم دو گانه نرخ اسعار گردیده، پروسه (جریان) تضعیف افغانی را در برابر دالر بطور روز افزونی تشدید کرده، محافل حکومتی کو شیدند ثابت کنند که تضعیف افغانی برای تشویق صادرات، تقویت قدرت رقابتی اموال داخلی در بازار جهانی، استقرار نرخ اسعار خارجی و بهبود وضع اقتصادی کشور مفید بوده است، ولی تجربه ثابت ساخت که یکی ازین رویاها به حقیقت نیویست، نه تنها مقدار صادرات پس ازین به اصطلاح رفورم بیشتر نگردیده، بلکه حجم صادرات

اکثر اقلام عمده صادراتی از یکسال تا سال دیگر کاهش یافت، زیرا اتمه صادراتی افغانستان از آن نوع تولیدات نیست که این امر انگیزهائی برای رشد و انکشاف سریع و مداوم آن شده میتوانست. بهترین مثال، وضع صادرات پوست قره قل است که در سال «رفورم پولی» تشویق گردید و اکثر مالداران بدون در نظر گرفتن وضع نسلیهای آینده قره قل تعداد بیشتری بره های نو زاد را کشتند و در نتیجه سالهای بعد سطح صادرات قره قل پائین افتاد. در سال ۱۳۴۱ یعنی سال قبل از «رفورم» ۱۷ میلیون جلد پوست قره قل صادر گردیده بود که با این «رفورم» تعداد آن دفعتاً به ۲۲ میلیون جلد ارتقا کرد، اما در سالهای بعدی (۴۲ و ۱۳۴۴) این رقم به ۱۵ میلیون جلد پائین آمد. عواید اسعاری آن نیز عروج و نزول ناگهانی صادرات این قلم عمده تجارتی را نشان میدهد. عواید حاصله از ناحیه صدور قره قل در سال ۱۳۴۱ به اندازه ۱۱۹۹ میلیون دالر بود که در سال ۴۲ دفعتاً به ۱۶۸ میلیون دالر بالا رفت و با همان سرعت دو باره پائین افتاد که رقم ۴۱ و ۱۲ میلیون دالر برای سال ۴۲ بهترین گواه این امر است که «رفورم پولی» در راه تشویق صادرات، سزایی پیش نبوده است. در کتاب پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی اعتراف میگردد: «در حجم صادرات قره قل در حدود ۱۱ فیصد تنقیص رونما

از (ص اول)

نون و هشتمین سالگرد تولد لنین...

درین پیام چنین اظهار شده بود: «از آنجاییکه شما، حضرت دوست محبوب و بزرگ من، رئیس جمهور کشور معظم روسیه با تفاق دیگر رفقای خود، دوستان بشریت و طیفه بر افتخار و شرافتمندانه مراقبت از صلح و آسایش افراد را بعهده گرفته اید من خوشوقتم از اینکه برای اولین بار از جانب ملت ترقیخواه افغانستان پیام دوستانه واقعی کشور مستقل و آزاد افغانستان را ارسال میدارم»

لنین در جواب نوشت: «پس از دریافت اولین پیام تبریک از طرف ملت آزاد و مستقل افغانستان بمردم روسیه... عاجلاً از جانب حکومت کارگری و دهقانی و همه مردم روسیه به ملت افغانستان که قبر مانده از آزادی خود در مقابل استیلاگران اجنبی دفاع میکنند مقابلاً تبریک میگویم»

با این پیامهای دوستانه سنگ بستحکم تهداب روابط سیاسی بین افغانستان و اتحاد شوروی گذاشته شد.

لنین در نامه دیگری به پادشاه افغانستان نوشت: «حالیه کشور بزرگ من افغانستان یگانه کشور اسلامی مستقل دنیاست و تقدیر این وظیفه تاریخی خطیر را بعهده ملت افغانستان گذاشته که خلقهای مظلوم و اسیر مسلمان را بیرامون خود متحد سازد و آنها را به راه آزادی و استقلال سوق دهد»

همچنان در سند مهم سیاسی سوم جون سال ۱۹۲۱ که با شرکت مستقیم لنین تنظیم شد، به نمایندگان سیاسی اتحاد شوروی راجع به اصول سیاست خارجی دولت شوروی در مورد کشورهای شرق چنین اشعار گردید: «سیاست ما سیاست صلح و همکاری بین تمام ملت هاست در حال حاضر که ملل شرق به علت عقب ماندگی اقتصادی از تحکم و ستم اقتصادی اجنبی رنج میبرند روسیه شوروی سوسیالیستی دوست طبیعی آنهاست سیاست ما در شرق تجاوز کارانه نیست، سیاست ما سیاست صلح و دوستی است. شما باید بطور منظم این اصل اساسی را در تمامی فعالیت

خود نشان دهید و بخصوص در کابل هدف اساسی فعالیت شما باید توسعه دوستی ما با افغانستان باشد. منظور از دوستی، معاضدت و همکاری متقابل است و ما بر اساس تمایل خود در زمینه کمک به پیشرفت و ترقی کشور دوست ما افغانستان آماده ایم که در این عرصه صلح آمیز به قدر قدرت و توانایی خود تمام کمک های لازم را به آنکشور بنمائیم. شما باید خواستهای و احتیاجات افغانستان را در نظر بگیرید و تمایل دولت افغانستان را برای روشن سازید تا ما بتوانیم بقدر امکان خود برشده و ترقی آن کمک کنیم....»

لنین دوست بزرگ افغانستان به تحکیم سیاست دو ستانه دو کشور همسایه توجه فراوانی مبذول میداشت. چنانچه از آن تاریخ تاکنون دو ستمی و همکاری خلل ناپذیر خلق آزادخواه افغانستان با خلق و کشور صلح دوست اتحاد شوروی روزه توسعه می نهد. زنده باد مناسبات دو ستانه و همکاری دایم التزاید افغان شوروی بخاطر صلح، استقلال ملی و ترقی!

دست است که ما بسایر فقدان، ضعف و محدودیت اکثر رشته های صنعتی در داخل کشور به بسیاری از اجناس خارجی نیاز مندیم، اما به چه نوع اجناس؟ آیا آن اشیا ی تجلی و بی لزوم که ورود آنها زانده است و مورد استفاده گروه معدود صاحب امتیاز جامعه قرار میگیرد؟ یا اجناسیکه نظیر آن در داخل کشور تولید شده میتواند؟ و یا اتمه نسی که رفع ضروری ترین نیاز مند یهای تولیدی و مصرفی ما را کرده بتواند وانگیزهائی برای رشد تولید داخلی باشد؟ آیا تاسف آور نیست در کشوری که اکثریت عظیم مردم آن به نان شبنا روزی محتاجند، برای اقلیتی نا چیز و سربار جامعه لوازم آرایشی و تجمل گران قیمت به آخرین مود روز وارد شود؟

منافع مردم افغانستان حکم مینماید که باید تجارت خارجی وسیله نسی باشد جهت تأمین بازار های مطمئن برای اموال صادراتی افغانستان، رشد و رونق تولید داخلی، جلوگیری از فرار و خروج اسعار خارجی به منظور صرفه جوئی، ذخیره و مصرف آن در امور تولیدی، جلوگیری از ورود اموال تجلی و بی لزوم و آن اجناسیکه رقابت تولیدات داخلی را به مشکل روبرو میسازد و باعث تعطیل و ورشکست صنایع داخلی میشود و مانع رشد بعدی آن میگردد. ما در شماره های آینده پرچم به این موضوع که باجه نوع تجارت و با کدام یک از حوزه های تجارتی این ماملول بر آورده میشود، روشنی خواهیم افکند.

فاجعه مرگ غم انگیز يك كار گر جوان

خبر نكار پرچم اطلاع ميدهد كه روز ۳۱ حمل محمد عارف، كار گر ۳۵ ساله شركت سرويس ازارتفاع ۱۲ متر سقوط كرد و بعد از تقريباً چهل و هشت ساعت درگذشت.

چرا انتخابات

ولایتي جرگه شروع نمیشود

مسكوت ماندن جرگه های ولایتي، زیر پا گذاشتن آشكار حقوق سياسي و اجتماعي مردم است.

قانون اساسي درآمده يكصد و نهم به صراحت ميگويد: « در هر ولايت ولايت جرگه تشكيل مي شود. اعضاي ولايت جرگه توسط انتخابات آزاد، عمومي، مستقيم و سري از طرف ساكنين ولايت انتخاب ميگردند... » مردم و ولايات كشور از خود همچگونه مقام منتخب دموكراتيك ندارند كه حد اقل از حقوق شان در برابر اعمال كيف مابشائي واليهاء، ولسوالها، زاندارم و پوليس دفاع كنند.

مردم جدا جواب ميخواهند كه چرا دولت تاكنون كه بيش از سه سال - ونيم از قانون اساسي كشور ميگذرد، انتخابات جرگه های ولایات را آغاز نكرده و خلق افغانستان را از احراز يكي از حقوق مسلم دموكراتيك آنان محروم نگه داشته است؟

اعتصاب شاگردان بنسوانگي

ميخانيكي كابل

خبر نكار پرچم اطلاع ميدهد كه در آغاز اين هفته چهار صد و پنجاه شاگردليليه بنسوانگي ميخانيكي كابل دست بااعتصاب درسي و نخوردن غذا زدند.

اعتصاب ۴۸ ساعته طلاب بمنظور بهبود شرايط ناكوار ليليه، مطالبه تحصيل بالائز از متوسطه و از بين بردن ككتور براي تحصيلات ثانوي صورت گرفت.

پرچم: مبارزه اين طلاب را با خواست های مشروع آنان كاملاً قانوني بداننده و از آن پشتیبانی مینماید.

پرچم

به دو زبان پښتو و دری فعالان و ژوهای

پنجشنبه نشر می شود

۱. اشتراك	سال تاسيس: حوت ۱۳۴۶
مرکز: سا لانه ۱۰۰ - افغاني ولايات و پښتونستان: سا لانه ۱۱۰ - افغاني	صاحب امتياز و مدير مسؤول: سليمان «لايق»
خارج کشور: سا لانه ۱۰۰ - دالر	آدرس: غوثي مارکيت
قيمت يك شماره: ۲ - افغاني	محمد جانخان واپ
۳۸۵۳ پښتني تجارتي بانك.	كابل - افغانستان
	نمبر حساب جاری جريده:

دولتي مطبعه

كارگران نجيب كشور توجه فرمائيد!

جريدۀ پرچم كه حامی و انعكاس دهنده آرمانها و مطالبات طبقه كارگر و زحمتكشان افغانستان است، از تمام كارگران شريف كشور دعوت مينمايد تا مطالبات، خواست ها، درد ها، پيشنهادها، انتقادها و نظرات خود را بجريده پرچم بفرستند.

پرچم وظيفۀ خود ميداند تا اين خواست ها را منعكس سازد و بحيث ناشر اندیشه های دموكراتيك خلق افغانستان از حقوق كارگران و تمام طبقات زحمتكش وطن محبوب حمايت نمايد.

اخراج ظالمانۀ كارگران

نساجي پلخمری

خبر نكار پرچم از شهر صنعتي پلخمری اطلاع ميدهد كه شصت و دو تن از كارگران شعبه كلاوه فابريك نساجي پلخمری، بشمول دو تن از زنان كاوكس، بنا بر دستور كار فرمايان دستگاه از حق كار و حداقل دستمزد خود محروم گشته اند و در كوجه و بازار، مانند هزاران بيكارسيه روز ديگر در جستجوی نان و كارسرگردان و بازندگان غم انگيزی دست و گريبان اند.

از «ص اول»

تنها با مبارزه...

هدفهای خاص خود، بوجود آيد. ما با اين اصل معتقدیم كه تكيه بر اختلافات و پراگندگی نیروها بضرر خلق و بر ضد جنبش دموكراتيك و ملي است و بالعكس اتحاد عمل بر پایه نقاط مشترك در مبارزه با دشمن مشترك، زمينه بيروزي را تسهيل مييابد. فقط در عرصه مبارزه فعال و دليرانه بر ضد دشمن مشترك (ارتجاع داخلی و بين المللي) قوام با صحبت و انتقاد دوستانه و اصولي و مشاوره صادقانه ميتوان اختلافات موجود را در بين نیروهای ترقیخواه كه جهان بينی علمی و ايدهآلوزی پيشرو و رهنمای عمل شانست، از میان برداشت و در نتیجه علمی رغم تمام مشكلات موجود از بو ته آزمایش بيروز مندانه بيرون آمد و وحدت تمام نیروهای ترقیخواه را در يك جريان واحد تأمین كرد. رفقا و دوستان ما توجه فرمائيد! ما سياست تفرقه و افتراق را در ميان نیروهای ترقیخواه قویاً محكوم و آنرا عملی به نفع اميراليهسم و ارتجاع داخلی ميشماريم، جريان وطنپرست ما به عنوان مدافع منافع طبقه كارگر و همه زحمتكشان شهر و ده خلق افغانستان با توجه به مسؤوليت خطري كه در امر وحدت نیروهای ترقیخواه وطن پرست و اتحاد جميع نیروهای ملي و دموكراتيك دارد، مشی اصلی سياست خود را مبارزه برای تشكيل جنبه متحد دموكراتيك و ملي قرار داده است و با وجود نفاق افكنیها و دشواری های بزرگ، با سر سختی و دليرانه در چوكات اصول و برچورد مترقی در اين راه سعی فراوان میندول خواهد داشت. زیرا ارتجاع داخلی و امير يالیهسم را صرف با مبارزه متحد در يك جنبه واحد ميتوانواز كون ساخت.

(ب . ك)

خبر نكار ما می افزاید كه اكثریت اين كارگران از سنين ۱۰ تا ۹ مورد بهره كشی بوده، ساليان درازی، از صبح تا شام و از شام تا صبح، ۱۲ ساعت كار پر مشقت را بخاطر تأمین مزد بخور و بتدريج بيمر، در دشوار ترين شرايط انجام داده اند و مانند پدران كارگر خود نشاط جوانی، انرژی، نیروی بازو و شيرين ترين دوران حيات خود را در كنار ماشينها از دست داده اند.

همچنان گفته ميشود كه هيأت عامل دستگاه نساجي دستور داده است، كه علاوه بر اخراج كارگران شعبه كلاوه، يكمده از كارگران با سابقه شعب ديگر فابريك راه، كه بيش از بيست سال درين دستگاه رنج برده اند، نیز از فابريكه نساجي پلخمری بيرون ريزند. علت اين اقدام ظالمانه، علمی رغم بهانه هايي كه گردانندگان اداری و كار فرمايان دستگاه ميتراشند، اينست كه از بازار گرم بيكاری موجود استفاده نمائند و كارگران جوان تر، تازه دم تر و با نیروی راي، با مزد كمتر استخدام و مورد استثمار شديدتر قرار دهند. پرچم در حاليكه اين عمل زشت كار فرمايان را جدا تقبيح ميكند، چاره وضع هلاكت باركارگران كشور را درين ميدانده كه طبقه كارگر جوان كميته های ضد اخراج از كار، اتحادیه ها و سندیکا های خود را ايجاد نمايند و مبارزات صنفی، سياسي و طبقاتی خویش دليرانه ادامه دهند.